

دستیابی گروه‌های اقلیت و بومی به حق توسعه: اختصاص سهم ویژه به آنها در فرایند مشارکت سیاسی

ستار عزیزی*

کیوان اقبالی**

DOI: 10.22096/HR.2023.543635.1398

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸]

چکیده

تحقق حق بر توسعه به مفهوم دستیابی همگان به مواهب توسعه در هر جامعه‌ای، نیازمند توجه به وضعیت گروه‌های در معرض تبعیض از جمله اقلیت‌ها و گروه‌های بومی است. به نظر می‌رسد یکی کارآمدترین راهکارها، فراهم نمودن امکان مشارکت سیاسی مؤثر این گروه‌ها در تصمیمات عمومی مرتبط با شئون مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه از طریق اختصاص سهم ویژه به آنها در فرایند تصمیم‌گیری مزبور است. هدف این پژوهش، بررسی یکی از کارآمدترین سازوکارها در تأمین حق توسعه گروه‌های اقلیت و بومی است. پرسش اصلی پژوهش آن است که اختصاص سهم ویژه به گروه‌های اقلیت و بومی عملاً چه اثری بر بهره‌مندی این گروه‌ها از توسعه در کشورهای مربوطه داشته است؟ روش بررسی این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. نتیجه این پژوهش که با بررسی دو تجربه موفق در کشورهای رومانی و ژلاندنو انجام شده است، نشان می‌دهد که با اختصاص سهم اختصاصی به نمایندگان اقلیت‌ها و گروه‌های بومی در فرایند مشارکت سیاسی، امکان مشارکت متناسب این نمایندگان در تصمیم‌گیری‌های عمومی مرتبط با پیشبرد توسعه فراهم شده و حقوق بشر و نیازهای این گروه‌ها هم بهتر تأمین می‌گردد. همچنین نظارت بر نحوه اجرای تصمیمات ذکر شده نیز تسهیل خواهد شد. **واژگان کلیدی:** سهم ویژه در مشارکت سیاسی؛ تبعیض مثبت؛ اقلیت‌ها؛ بومیان؛ حق بر توسعه.

* دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران. (نویسنده مسئول) Email: s.azizi@basu.ac.ir
** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Email: keivan_eghbali@yahoo.com



مقدمه

«توسعه» از نظر لغوی به معنای گذر از سطح پایین به سطح بالاست که معطوف به تغییر و پیشرفت باشد؛ اما در تعریف اصطلاحی، توسعه به معنای بهبود سطح رفاه ملت و جامعه است.^۱ جامعه توسعه‌یافته به جامعه‌ای اطلاق می‌گردد که مؤلفه‌هایی همچون مشارکت سیاسی آزاد و بدون تبعیض آحاد مردم جامعه در فرایند حکمرانی، کاهش فقر عمومی، افزایش امید به زندگی، دسترسی عموم مردم به خدمات بهداشتی و افزایش سطح تحصیلات همگانی در سطح استاندارد محقق شده باشد. طرف حق، انسان‌ها و گروه‌های انسانی و طرف تکلیف، دولت است.

حق بر توسعه^۲ معطوف به مفهومی است که علاوه بر تحقق پیشرفت‌های عمومی صنعتی و اقتصادی در جامعه، حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یکایک انسان‌ها و گروه‌های انسانی نیز محقق شده باشد. به عبارت دیگر، توسعه مورد نظر در چهارچوب حقوق بشر را می‌توان فرایندی از توسعه دانست که در آن تمامی استانداردهای حقوق بشر در نظر گرفته شده و به صورتی اساسی راهکارهای دستیابی به توسعه اقتصادی با راهکارهای تضمین حقوق بشر ادغام می‌شود.^۳

توسعه مفهومی چندان جدید نیست. پیشرفت و رفاه مادی انسان‌ها و جوامع، همواره از جایگاهی ویژه در پژوهش‌های اقتصادی برخوردار بوده و از محورهای مهم مطالعات اقتصاددانان به شمار می‌رفته است.^۴ از اواسط قرن بیستم، مفهوم توسعه اقتصادی وارد مرحله نوینی شده و نظریه‌هایی درباره توسعه در سطح جهانی شکل گرفته است.^۵ در بسیاری از این نظریات، مفهوم توسعه‌یافتگی برابر با رشد تولید ناخالص ملی، افزایش درآمد سرانه افراد، صنعتی شدن و پیشرفت سطح فناوری در یک جامعه به شمار آمده است.^۶

ضعف و نارسایی این تعاریف کلاسیک، با گذشت زمان مشخص گردید و ثابت شد که ممکن است جامعه‌ای شاهد رشد اقتصادی و افزایش سرانه تولید ناخالص ملی بوده اما نحوه توزیع آن به مراتب ناعادلانه‌تر و نابرابرتر از جامعه‌ای با درآمد سرانه کمتر باشد، آن‌هم به گونه‌ای که شاید حتی

۱. حجت سلیمی ترکمانی، «حق بر توسعه به مثابه حقی بشری در گستره حقوق بین‌الملل انرژزی»، «مطالعات حقوق انرژی ۴، شماره ۲ (پاییز ۱۳۹۷): ۴۰۸. <https://dx.doi.org/10.22059/JRELS.2019.259813.210>.

2. Right to Development.

3. Arjun Sengupta, "Conceptualizing the Right to Development for the Twenty-first Century," *Realizing the Right to Development: Essays in Commemoration of 25 Years of the United Nations Declaration on the Right to Development*, ed. OHCHR (New York and Geneva: OHCHR Publication, 2013), 71.

۴. سعید فراهانی فرد، «توسعه پایدار بر محور عدالت»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۵، شماره ۱۹ (دی ۱۳۸۴): ۹۲.

۵. مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، جلد ۱ (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹)، ۱۳۲.

۶. آمارتیا سن، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴)، ۱۷.

در درآمد واقعی فقیرترین گروه‌ها سیر نزولی مشاهده گردد.^۷ چنین مواردی را نمی‌توان توسعه در معنای واقعی آن محسوب نمود.^۸ به عبارت دیگر، تأمین «حق بر توسعه» مستلزم آن است که همه گروه‌ها و جوامع انسانی موجود در یک کشور اعم از گروه‌های اقلیت و بومی از توسعه یکسان با دیگر گروه‌ها برخوردار باشند و صرف توسعه اقتصادی کشور به معنای تحقق حق بر توسعه برای هر یک از گروه‌های مختلف اجتماعی نیست.

در اینجا است که نخستین نشانه‌های ضرورت تغییر رویکرد در توسعه هم‌زمان با جنبش استقلال‌طلبی کشورهای تازه‌استقلال‌یافته در دهه شصت میلادی آشکار شد.^۹ در این رویکرد جدید، توازن میان ملاحظات اقتصادی با مصالح و منافع اجتماعی، معیشت بهتر و رعایت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شهروندان در مسیر تحقق توسعه برجسته شد.^{۱۰} ضرورتی که منجر به تلاش‌های جدی در راستای سازمان‌دهی مباحث مرتبط با توسعه حقوق بشر محور و تدوین حق جدیدی با نام حق بر توسعه شده که نهایتاً با صدور اعلامیه حق بر توسعه^{۱۱} در جایگاه نخستین سند بین‌المللی مرتبط با مفهوم فوق در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ به بار نشست.^{۱۲}

دو گروه آسیب‌پذیر که خطر محرومیت آنها در برخورداری بدون تبعیض از مواهب توسعه در جوامع ملی، همواره وجود دارد، اقلیت‌ها و مردمان بومی هستند.^{۱۳}

اقلیت (Minority) از واژه‌های تعریف‌نشده، مبهم و بحث‌انگیز در حقوق بین‌الملل است.^{۱۴} دیوان دائمی دادگستری در نظر مشورتی خود در قضیه جمعیت‌های یونانی-بلغاری در ۳۱ ژوئن ۱۹۳۰، شناسایی دسته‌ای از افراد ساکن در یونان یا بلغارستان را به عنوان اقلیت در زمان انعقاد عهدنامه ۱۹۱۹ بین دو کشور، منوط به شناسایی آنها به منزله اجتماعاتی از افراد ساکن در یک کشور یا سرزمین مشخص که دارای نژاد، مذهب، زبان و رسوم خاص خود بوده و به واسطه مشابهت‌های نژادی، مذهبی، زبانی و فرهنگی از نوعی همبستگی به منظور

۷. سن، توسعه به مثابه آزادی، ۱۶۳.

۸. آرجون سنگوپتا، «حق توسعه در نظریه و عمل»، ترجمه منوچهر توسلی جهرمی، مجله حقوقی بین‌المللی ۲۶، شماره ۳۰، (خرداد ۱۳۸۳): ۱۹۲. <https://dx.doi.org/10.22066/CILAMAG.2004.18026>

۹. پوریا عسکری و امیرساعتد وکیل، نسل سوم حقوق بشر: حقوق همبستگی (تهران: انتشارات دانشگاهی، ۱۳۸۳)، ۹۵.

۱۰. حجت سلیمی ترکمانی، «حقوق بین‌الملل توسعه پایدار: از آرمان تا واقعیت»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، شماره ۲ (بهمن ۱۳۹۱): ۴۶. <https://dx.doi.org/10.22067/LE.V19I2.27376>

11. Declaration on the Right to Development

12. Henry J Steiner and Philip Alston, *International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals*, Third Edition (Oxford: Oxford University Press, 2008), 1118.

13. Saad Alfararghi, A/HRC/39/51, *Second Report of the Special Rapporteur on the Right to Development*, (Geneva: Human Rights Council, 20 July 2018), 7.

۱۴. ستار عزیزی، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل (تهران: شهردانش، ۱۳۹۴)، ۶۹.

حفاظت از آداب و رسوم خویش برخوردار هستند، اعلام می‌نماید.^{۱۵} از نظر کمیته فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها^{۱۶} در سال ۱۹۵۴ هم واژه اقلیت باید فقط بر آن دسته از گروه‌های غیرمسلط در یک جمعیت که به صورت آشکار دارای خصوصیات قومی، مذهبی یا زبانی متمایزکننده از باقی جمعیت مزبور بوده و خواستار حفظ این خصوصیات هستند، اطلاق شود.^{۱۷} در نهایت باید به تعریف فرانچسکو کاپورتورتی^{۱۸} گزارشگر ویژه کمیته فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها اشاره کرد که جامع‌تر نیز به نظر می‌رسد: «اقلیت گروهی است که از لحاظ تعداد در مقایسه با مجموع جمعیت افراد یک جامعه تعداد کمتری را تشکیل داده و در وضعیتی غیر حاکم قرار دارد. اعضای این گروه علی‌رغم برخورداری از تابعیت دولت حاکم بر جامعه فوق، از لحاظ قومی، مذهبی یا زبانی متمایز از سایر افراد کشور به شمار رفته و دست‌کم به صورتی ضمنی در ارتباط با حفظ فرهنگ، رسوم و زبان خویش، از اتفاق نظر برخوردارند.»^{۱۹}

بر این اساس شاید بتوان مفهوم اقلیت در نظام حقوق بین‌الملل را چنین تعریف کرد: «اقلیت به گروهی از افراد گفته می‌شود که جمعیتی کمتر از بقیه مردم کشور یا ایالتی از کشور داشته و در حاکمیت حضوری مؤثر ندارند. اعضای این گروه از ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی برخوردارند و برای حفظ آن خصایص، احساس همبستگی دارند. گروه‌های اقلیت بر حسب سکونت مجتمع یا پراکنده، تبعه یا بیگانه بودن و تقدم یا تأخر سکونتشان در کشور، از حمایت‌های مندرج در نظام حقوق اقلیت‌ها برخوردار می‌شوند.»^{۲۰}

درباره مفهوم مردمان بومی هم علی‌رغم هم‌پوشانی قابل ملاحظه مفهوم فوق با مفهوم گروه اقلیت، به نظر می‌رسد که جامعه جهانی به سوی ایجاد نوعی تمایز بین دو گروه مزبور گرایش پیدا کرده است؛ گرایشی که برای مثال، تصویب اعلامیه حقوق مردمان بومی^{۲۱} مورخ ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۰۷ در مجمع عمومی ملل متحد، تأکیدکننده بر آن تلقی می‌شود. بر این مبنا، معیارهایی همچون سابقه زیست طولانی در یک سرزمین در پیش از دوران استعمار یا پیش از ورود دیگر گروه‌های

15. PCIJ, the Greco-Bulgarian Communities, Advisory Opinion of 31 July 1930:21-22.

16. Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities

17. CHR, E/2573, *Report of the Tenth Session*, Supplement no.7, (New York: Commission on Human Rights, 1954): 48. Para.42.

18. Francesco Capotorti.

19. Francesesco Capotorti, Special Reporter, E/CN.4/Sub.2/384/Rev.1, *Study on the Rights of Person Belonging to Ethnic, Religious and Linguistic Minorities*, (Geneva: UN, 1979), 568.

۲۰. عزیزی، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، ۱۳۶.

21. United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples

نژادی، زبانی، فرهنگی را می‌توان معیاری مناسب برای ارزیابی شایستگی یک جامعه در برخورداری از وصف بومی تلقی نمود؛ معیاری که توسط آقای مارتینز کوبو گزارشگر ویژه تعیین شده توسط کمیته فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها در زمینه مطالعه راهکارهای پیشگیری از تبعیض علیه بومیان نیز در هنگام ارائه تعریف از مفهوم گروه بومی، این گونه مورد استفاده قرار گرفته است: «جوامع، مردمان و ملت‌های بومی کسانی هستند که دارای سابقه تاریخی پیش از جوامع (کنونی) شکل گرفته بر اثر تهاجمات یا دوران استعمار در سرزمین‌های خویش بوده و خود را متمایز از دیگر بخش‌های جوامع مسلط یا دستکم بخشی از آن محسوب می‌نمایند. این مردمان در حال حاضر بخش غیر مسلط جامعه را تشکیل داده و برای حفظ، ارتقاء و انتقال سرزمین‌های اجدادی خود، همچنین هویت قومی خویش به عنوان اساس وجودشان ...، به نسل‌های آینده و در مطابقت با الگوهای خاص فرهنگی، نهادهای اجتماعی و سیستم حقوقی ویژه خود، در حال تلاش می‌باشند.»^{۲۲} در همین راستا، به موجب ماده ۱ کنوانسیون شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار:

«مردمان بومی به مردمانی اطلاق می‌گردد که در قلمرو دولت‌های مستقل، با عنایت به ارتباط تباری خود با جمعیت‌های اولیه ساکن در قلمروهای مزبور در هنگام تصرف، مستعمره‌سازی و یا ترسیم مرزهای (منجر شده به شکل‌گیری) دولت‌های کنونی، بومی محسوب شده و صرف‌نظر از وضعیت قانونی خود (عدم برخورداری از حاکمیت)، همچنان مبادرت به نگهداری تمام یا بخشی از نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خویش نموده‌اند.»^{۲۳}

به نظر می‌رسد بسترسازی برای مشارکت سیاسی مؤثر اقلیت‌ها و بومیان در فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی جامعه را می‌توان ابزاری مناسب برای تضمین دسترسی اعضای گروه‌های فوق‌الذکر به حق بر توسعه خویش تلقی نمود. در بخش نخست این مقاله، مفهوم حق بر توسعه و وضعیت ویژه اقلیت‌ها و گروه‌های بومی در رابطه با دسترسی به حق مزبور بررسی خواهد شد. در بخش دوم نیز دستیابی اعضای گروه‌های فوق‌الذکر به حق بر توسعه، از طریق تخصیص سهم ویژه به این گروه‌ها در فرایند مشارکت سیاسی در اخذ و اجرای تصمیمات عمومی مرتبط با فرایند توسعه، همچنین نمونه‌های عملی موجود در این رابطه، ارزیابی خواهند شد.

22. José Martínez-Cobo, E/CN.4/Sub.2/1983/21/Add.8, *Study of the Problem of Discrimination against Indigenous Populations: Final Report, submitted by the Special Rapporteur José Martínez-Cobo*, (New York: Commission on Human Rights, 1983), 379.

23. ILO, Convention no.169, 1989: Article.1, para.1.

۱- حق بر توسعه و وضعیت ویژه گروه‌های اقلیت و بومی

در این بخش تلاش می‌شود پس از بررسی مفهومی حق بر توسعه، عمده‌ترین مسائل موجود در مسیر دستیابی گروه‌های اقلیت و بومی به این حق بررسی شود.

۱-۱ مفهوم حق بر توسعه

توسعه عبارت است از تصرف آگاهانه و روشمند در شرایط طبیعی محیط زندگی. حق بر توسعه، حق افراد یک جامعه درباره اتخاذ فرآیندی حقوق بشر محور در پیشبرد مسیر توسعه جامعه خود است؛ فرآیندی که در نتیجه تحقق آن، مصادیق گوناگون حقوق بشر اعضای جامعه محقق شده و موجبات بهره‌مندی ایشان از رفاه و آزادی حاصل از توسعه فراهم خواهد شد.^{۲۴} به عبارت دیگر، در توسعه مدنظر در چارچوب حق بر توسعه، تمامی استانداردهای حقوق بشر در فرایند توسعه در نظر گرفته شده و به صورتی اساسی رهیافت توسعه اقتصادی در درون رهیافت حقوق بشری توسعه ادغام می‌شود.^{۲۵} به موجب بند اول از ماده ۱ اعلامیه حق بر توسعه: «حق بر توسعه، یک حق مسلم بشری است که به موجب آن هر فرد انسانی و همه مردم از استحقاق مشارکت، سهم شدن و برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار می‌باشند، چنان‌که در چهارچوب آن، همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کاملاً تحقق می‌یابند.»^{۲۶}

توسعه در این دیدگاه به معنای از میان برداشتن موانعی همچون بی‌سوادی، بیماری، عدم دسترسی به منابع مادی و مالی و فقدان آزادی‌های مدنی و سیاسی است.^{۲۷} حق بر توسعه، حقی است که دربرگیرنده کلیه حقوق بشر اعم از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و در نتیجه با به واقعیت تبدیل شدن حق مذکور، شاهد تجلی مفهوم واقعی حقوق بشر به‌نحوی که غیر قابل تقسیم و وابسته به یکدیگر تلقی شوند، خواهیم بود.^{۲۸} همان‌گونه که آرجون سنگوپتا^{۲۹} گزارشگر مستقل حق بر توسعه اعلام داشته، حق بر توسعه حقی است نسبت به رهیافتی ویژه از توسعه که به موجب آن می‌توان تحقق تمامی حقوق و آزادی‌های بنیادین برای شهروندان

۲۴. کیوان اقبالی، نسبت میان توسعه و حق بر تعیین سرنوشت در هزاره سوم، چاپ اول (تهران: خرسندی، ۱۳۹۹)، ۱۱۷.

۲۵. اقبالی، نسبت میان توسعه و حق بر تعیین سرنوشت در هزاره سوم، ۱۱۷.

26. UN Genral Assembly, A/RES/41/128, 1986: Article.1

۲۷. توکل حبیب‌زاده و حافظه سیفی، «تأثیر حکمرانی مطلوب بر اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۸۸، شماره ۶۲ (تابستان ۱۳۹۲): ۱۳.

۲۸. فریده شایگان، حق توسعه، (تهران: گرایش، ۱۳۸۸)، ۱۴.

29. Arjun Sengupta

یک جامعه را تسهیل نموده و بدین ترتیب ظرفیت و توانایی ایشان را به منظور بهره‌مندی از حقوق خود افزایش داد.^{۳۰}

تضمین گروهی مصادیق حقوق بشر در فرایند توسعه مورد نظر در چهارچوب حق بر توسعه به آن میزان اهمیت دارد که در هنگام تدوین و اجرای هرگونه برنامه توسعه، نه تنها باید عدم تأثیر منفی تحقق هر یک از حقوق ذکر شده بر ارتقای دیگر حقوق مورد توجه قرار گیرد، بلکه می‌بایست چگونگی اثرگذاری مثبت تحقق هر یک از مصادیق حقوق بشر در تسهیل نمودن مسیر دستیابی به مصادیق دیگر حقوق فوق هم مدنظر قرار داده شود.^{۳۱}

از دیدگاه گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در زمینه حقوق بشر و همبستگی بین‌المللی، خانم ویرجینیا داندان^{۳۲}، حق بر توسعه همانند دیگر مصادیق حقوق همبستگی، در زمره حقوقی به شمار می‌رود که برخورداری از آن نه تنها حق افراد، بلکه حق برخی گروه‌های انسانی نیز هست که از آنها با لفظ مردم یاد می‌شود.^{۳۳} در ارتباط با حقوق متعلق به نسل سوم حقوق بشر و از آن جمله حق بر توسعه، نه تنها همانند مصادیق نسل اول و دوم، هر فرد انسانی به فردیت خویش از امکان مطالبه حق برخوردار خواهد بود، بلکه برخی افراد افزون بر بعد فردی، به واسطه عضویت در گروه‌هایی با ویژگی‌های خاص همچون اقلیت‌ها یا مردم بومی نیز از امکان مطالبه تحقق حق بر توسعه در چهارچوب این گروه‌ها برخوردار می‌گردند.^{۳۴}

حق بر توسعه همانند دیگر حقوق نسل همبستگی، در زمره حقوق جمعی است. علی‌رغم برخورداری هر فرد انسانی از حق مشارکت همه‌جانبه در توسعه و برخورداری از نتایج آن به صورت انفرادی، با توجه به ماهیت اجتماعی مفهوم فوق از یکسو و ویژگی جمعی مفهوم مشارکت از سوی دیگر، امکان اعمال حق بر توسعه چه در قالب فردی و چه در کسوت یک گروه انسانی تنها زمانی میسر خواهد بود که اعمال آن به صورت جمعی برای اعضای جامعه امکان‌پذیر شده باشد. از سوی دیگر همانند دیگر حقوق همبستگی و برخلاف حقوق نسل اول و دوم حقوق بشر که در آنها دولت

30. Mohammad-Salah Dembri, E/CN.4/2001/26, *the Right to Development, Report of the Open-Ended Working Group on the Right to Development*, (Geneva: Commission on Human, 2001), 16.

31. Arjun Sengupta, E/CN.4/2001/WG.18/2, *Third Report of the Independent Expert on the Right to Development, Mr. Arjun Sengupta, Submitted in Accordance with Commission Resolution 2000/5*, (New York: Commission on Human Rights, 2001), 9.

32. Virginia Dandan

33. Virginia Dandan, A/69/366, *Second Report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity*, (New York: UN General Assembly, 2014):6.

34. Dandan, A/69/366, *Second Report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity*, 6.

تنها متعهد تحقق حقوق مزبور تلقی گردیده، در حق بر توسعه با طیف گسترده‌ای از متعهدین، از افراد و سازمان‌های مردم‌نهاد گرفته تا دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در کلیت آن روبرو هستیم.^{۳۵}

۱-۲ حق بر توسعه گروه‌های اقلیت و بومی

بهره‌مندی از حق توسعه برای گروه‌های اقلیت و بومی، دارای ویژگی‌های خاصی است؛ بنابراین به منظور ایجاد درک مناسب‌تری از وضعیت خاص افراد عضو گروه‌های اقلیت و مردمان بومی در پی‌موردن مسیر دستیابی به حق بر توسعه خود، می‌بایست ماهیت و حوزه اعمال حقوق در نظر گرفته‌شده برای گروه‌های مزبور هم موضوع بررسی واقع شود. حق بر توسعه در جامعه محقق نخواهد شد، مگر آنکه امکان مشارکت در فرایند توسعه و برخورداری از مزایای آن برای فرد اعضای جامعه به صورت همگانی مهیا شده باشد.^{۳۶}

افزون بر حقوق فردی، گروه دیگری از حقوق نیز وجود داشته که شرط برخورداری افراد از آنها، عضویت در گروهی با ویژگی خاص بوده و آنها را می‌توان حقوق گروهی^{۳۷} نامید. حقوق ویژه در نظر گرفته شده برای اقلیت‌ها و مردمان بومی را هم می‌بایست در زمره این حقوق گروهی محسوب نمود. به عبارت دیگر، آنچه در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱ اعلامیه حقوق اقلیت‌ها^{۳۸} مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲، تحت عنوان ضرورت حمایت از اقلیت‌ها در حفظ ویژگی‌های فرهنگی، مذهبی و زبانی خویش یا ماده ۲۶ اعلامیه مردمان بومی مبنی بر حق بومیان بر زمین‌های خود، از مصادیق حقوقی است که جز با عضویت در یک گروه، تحقق بیرونی نخواهد یافت.^{۳۹}

بر همین اساس است که ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق مردمان بومی ملل متحد بر ضرورت ایفای نقش مردمان بومی در فرایند توسعه تأکید دارد. دیوان آفریقایی حقوق بشر نیز در یکی از آرای خود خاطر نشان ساخته است: «گروه‌های بومی تحت تأثیر برنامه‌های توسعه طراحی شده از سوی گروه‌های مسلط جامعه و یا برنامه‌های توسعه کلی کشور، قرار می‌گیرند.»^{۴۰} این پرونده به

۳۵. محمدعلی صلح‌چی و رامین درگاهی، «بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی»، پژوهش حقوق عمومی ۵، شماره ۱ (زمستان ۱۳۹۲): ۱۴۷.

36. Margot E Salomon, and Arjun Sengupta, *the Right to Development: Obligations of States and the Rights of Minorities and Indigenous Peoples* (London: Minority Rights Group International, 2003), 12.

37. Group Rights.

38. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities

39. Salomon and Sengupta, *the Right to Development: Obligations of States and the Rights of Minorities and Indigenous Peoples*, 14.

40. ACHPR, *African Commission on Human and Peoples' Rights v Republic of Kenya*, Application no. 006/2012, 26 May 2017:180.

قضیه تخلیه مردم بومی قبیله اوگیک (Ogiek) از ناحیه جنگلی در کشور کنیا مربوط می‌شد. دولت کنیا در سال ۲۰۰۹ از قبیله درخواست کرده بود تا ظرف سی روز این جنگل را تخلیه کنند. دیوان اعلام کرد که در ماده ۲۲ منشور آفریقایی از حق «مردمان» در بهره‌مندی از توسعه اشاره شده است. به باور دیوان، مردمان، شامل تمام جوامع تشکیل‌دهنده یک کشور شده و در این معنا، قبیله اوگیک به عنوان «مردم» از حق توسعه برخوردار است.^{۴۱} دیوان یادآور می‌شود که تخلیه مردم این قبیله، بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگ آن‌ها، اثر منفی خواهد داشت. به این ترتیب، آن‌ها نقش فعالی در تعیین و توسعه برنامه‌های بهداشتی و مسکن و دیگر برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی اثرگذار بر آنها را نخواهند داشت؛ از این رو دیوان معتقد است که دولت کنیا مفاد ماده ۲۲ را نقض کرده است.^{۴۲}

بنابراین روشن است که اگر گروه‌های بومی و اقلیت در فرایند توسعه مشارکت فعال نداشته باشند، حق بر توسعه نقض خواهد شد. یکی از سازوکارهای مهم جهت تأمین مشارکت این گروه‌های آسیب‌پذیر، تخصیص سهم ویژه برای آنها در ساختار قدرت و تضمین مشارکت سیاسی آنها است که در بخش بعدی بدان خواهیم پرداخت.

۲- تسهیل در دسترسی اقلیت‌ها و بومیان به حق بر توسعه، از طریق تخصیص سهم ویژه در استفاده از ابزارهای مشارکت سیاسی

حق تعیین سرنوشت^{۴۳} را می‌بایست حق مردم یک جامعه در بهره‌مندی از نوعی ساختار حکومتی دموکراتیک که امکان مشارکت گسترده آن‌ها را در شئون مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حیات جامعه فراهم می‌نماید یا همان قاعده‌مند شدن روابط میان حکومت‌گران و حکومت‌شوندگان تلقی کرد.^{۴۴} همان‌طور که در گزارش کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد در رابطه با ارتقا، حمایت و عملی نمودن مشارکت در امور عمومی جوامع اعلام شده، یکی از مهم‌ترین ارکان مشارکت، برخورداری از امکان انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن برای شهروندان جامعه یا همان سیستم نمایندگی خواهد بود.

41. ACHPR, African Commission on Human and Peoples' Rights v Republic of Kenya: 208.

42. ACHPR, African Commission on Human and Peoples' Rights v Republic of Kenya: 210-211.

43. Right to self determination.

44. Ved P Nanda, "Self Determination and Secession under International Law," *Denver Journal of International Law & Politics* 29, no.4 (2001): 307-308.

در واقع، هنگامی می‌توان از امکان مشارکت واقعی مردم یک جامعه در تعیین سرنوشت خویش سخن به میان آورد که مردم جامعه مزبور از نوعی سیستم نمایندگی که به ایشان از یک سو اختیار مشارکت در انتخاب تصمیم‌گیرندگان جامعه و از سوی دیگر حق راه‌یابی به جمع این تصمیم‌گیرندگان را اعطا نموده باشد، برخوردار شوند.^{۴۵} با تحقق مشارکت سیاسی، امکان طرح مطالبات و دفاع از منافع گروه‌های بومی و اقلیت به هنگام اتخاذ تصمیمات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه فراهم می‌شود.^{۴۶}

به نظر می‌رسد استفاده مؤثر از ابزار مشارکت سیاسی توسط اقلیت‌ها و مردمان بومی از طریق اختصاص سهم ویژه به این گروه‌ها، نقش بسیار مهمی در فرایند توسعه در کشور آنها به دنبال داشته باشد. توجه به این واقعیت ضروری است که اقلیت‌ها و گروه‌های بومی همواره در معرض تبعیض قرار داشته و ضرورت دارد تا توجه به حقوق و ملاحظات آنها هم در هنگام تدوین و هدایت مسیر توسعه، در فهرست اولویت‌های در نظر گرفته شده در طراحی اهداف برنامه‌های توسعه ملی قرار گیرد. بنابراین، هدایت این برنامه‌ها در مسیر تأمین حقوق بشری این گروه‌ها، نیازمند فراهم‌آوردن امکان مشارکت و نظارت ویژه اعضای گروه‌های فوق‌الذکر در تدوین و اجرای تصمیم‌های ذکر شده خواهد بود.^{۴۷}

در کنوانسیون شماره ۱۶۹ سازمان بین‌المللی کار به مثابه سند بین‌المللی الزام‌آور تخصصی در ارتباط با حقوق مردمان بومی بر این موضوع تأکید شده است. به موجب ماده ۶ کنوانسیون فوق‌الذکر، دولت‌های عضو در صورت هرگونه تأثیرگذاری مستقیم اقدامات مرتبط با توسعه ملی بر زندگی گروه‌های بومی، موظف به اخذ مشورت^{۴۸} از این گروه‌ها شده و در ماده ۷ نیز حق گروه‌های بومی برای اتخاذ تصمیم در مورد نحوه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش و به تبع آن تعهد دولت‌ها در مشارکت دادن گروه‌های مزبور در تنظیم، اجرا و ارزیابی برنامه‌های ملی توسعه تأثیرگذار بر زیست‌گروهی ایشان، به رسمیت شناخته شده است.^{۴۹}

45. A/HRC/30/26, *Promotion, Protection and Implementation of the Right to Participate in Public Affairs in the Context of the Existing Human Rights Law: Best Practices, Experiences, Challenges and Ways to Overcome Them*, (Geneva: OHCHR, 2015), 3.

46. Suchit Bunbongkam, "The Role of Civil Society in Democratic Consolidation in Asia," *Growth & Governance in Asia*, ed. Yoichiro Sato (Honolulu: Asia-Pacific Center for Security Studies, 2004), 141.

47. Alfararghi, *Second Report of the Special Rapporteur on the Right to Development*, 9.

48. Consultation

49. Koen De Feyter, "Indigenous Peoples," in *Realizing the Right to Development, Essays in Commemoration of 25 Years of the United Nations Declaration on the Right to Development*, ed. OHCHR (New York and Geneva: OHCHR, 2013), 162.

کمیسیون آفریقایی حقوق بشر نیز در قضیه «اندورویوس» با ناکافی دانستن صرف تأمین دسترسی مردم اندورویوس به غذا و منابع حاصل از اجرای طرح‌های توسعه توسط دولت کنیا، تحقق حق بر توسعه مردم مزبور به عنوان یک گروه اقلیت را منوط به اخذ مشاوره و مشارکت ایشان در برنامه‌های توسعه تأثیرگذار بر زیست گروه اعلام داشته است.^{۵۰} ضرورت اخذ مشاوره از گروه‌های اقلیت و مشارکت آنها در برنامه‌های توسعه اقتصادی تأثیرگذار بر نحوه زیست اعضا در جایگاه یک گروه، مورد تأیید دادگاه آمریکایی حقوق بشر در قضیه ساراماکا^{۵۱} علیه سورینام هم قرار گرفته است.^{۵۲} در همین چهارچوب، تضمین مشارکت مردمان بومی در کلیه تصمیمات عمومی تأثیرگذار بر حقوق بشر اعضای گروه نیز به منظور تحقق حق بر توسعه ایشان ضرورت دارد.^{۵۳}

با ایجاد بستر لازم برای گنجاندن خواست‌ها و نیازهای اقلیت‌ها و مردمان بومی در برنامه‌های ملی توسعه، همچنین ایجاد امکان نظارت بعدی بر چگونگی اجرای آن برنامه‌ها، راه برای هدایت برنامه‌های توسعه در مسیر مدنظر برای تحقق حق بر توسعه اعضای چنین گروه‌هایی هموار خواهد شد. برای نمونه، در قضیه اوندورویوس بانی طرح دعوا علیه دولت کنیا در کمیسیون آفریقایی حقوق بشر یک سازمان مردم‌نهاد داخلی موسوم به مرکز توسعه حقوق اقلیت‌ها^{۵۴} بوده است. این سازمان با بهره‌مندی از دموکراسی نوپا در کنیا تشکیل شده و نهایتاً با طرح مسئله نزد کمیسیون، مایه محکومیت و التزام دولت کنیا به شناسایی حق مشارکت نمایندگان قبیله مزبور در تصمیم‌گیری‌های عمومی مرتبط با زیست قبیله آنها و همچنین لزوم رعایت حق بر توسعه گروه قبیله اوندورویوس در برنامه‌های توسعه ملی شده است.^{۵۵}

مشابه چنین نقشی را سازمان مردم‌نهاد دیگری موسوم به مرکز حقوق بشر نیکاراگوئه^{۵۶} در قضیه یاتاما Yatama ایفا کرده است. فعالیت‌های این سازمان در نهایت منتج به شناسایی

50. ACHPR, Case of Centre for Minority Rights Development (Kenya) and Minority Rights Group International on behalf of the Endorois Welfare Council v. The Republic of Kenya, Communication No. 276/2003, 25 November 2009:73-74.

51. Saramaka

52. IACHR, Case of Saramaka People v. Suriname, Series C, no. 172, Judgment of 28 November 2007:129, 133-134.

53. Zamir Akram, A/HRC/36/35, *Report of the Working Group on the Right to Development on its Eighteenth Session*, (Geneva: Human Rights Council, 2017), 14.

54. Centre for Minority Rights Development (CEMIRIDE)

55. ACHPR, Case of Centre for Minority Rights Development (Kenya) and Minority Rights Group International on behalf of the Endorois Welfare Council v. The Republic of Kenya: 281-283.

56. Centro Nicaragüense de Derechos Humanos (CENIDH)

تعهد دولت نیکاراگوئه برای تضمین حق بومیان این کشور در زمینه امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی مرتبط با زیست قبایل خود توسط دادگاه آمریکایی حقوق بشر گردیده است.^{۵۷}

همچنین در مقام بررسی عملی تأثیرات مثبت تخصیص سهم ویژه به گروه‌های اقلیت و بومی در فرایند مشارکت سیاسی و سازوکارهای مرتبط با آن بر تأمین حقوق اعضای این گروه‌ها؛ دو نمونه مورد ارزیابی واقع خواهد شد. بر این مبنا، در حوزه اقلیت‌ها، وضعیت اقلیت‌های مجار^{۵۸} و کولی^{۵۹} در کشور رومانی و در ارتباط با گروه‌های بومی، وضعیت بومیان مائوری^{۶۰} در کشور زلاندنو^{۶۱} نمونه‌های مناسبی به شمار می‌روند. تجربه گروه‌های نامبرده حاکی از آن است که میسر شدن مشارکت سیاسی فعال‌تر اقلیت‌ها و بومیان در فرایند اخذ تصمیمات عمومی به واسطه تخصیص سهم اختصاصی به آن‌ها در مشارکت مزبور، می‌تواند به منزله یک راهکار، مسیر دستیابی اعضای این گروه‌ها به حقوق بشر در فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه و در نتیجه تضمین حق بر توسعه ایشان را هم تسهیل کند.

۲-۱ تخصیص سهم اختصاصی به مردم مائوری در پارلمان زلاندنو

به رسمیت شناخته شدن اختصاص تعدادی از کرسی‌های پارلمان زلاندنو به صورت ویژه به مردم بومی مائوری از سال ۱۸۶۷، سبب شده تا گروه مزبور در ۱۵۱ سال گذشته از نوعی حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی مرتبط با زیست گروهی خویش برخوردار شده باشند؛ مشارکتی که به نظر می‌رسد سبب آن گردیده تا بومیان مائوری زلاندنو در قیاس با بسیاری از دیگر گروه‌های بومی، از وضعیت مناسب‌تری در دسترسی به حقوق بشر خویش و در نتیجه تضمین حق بر توسعه خود در فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه زلاندنو برخوردار شوند.^{۶۲}

57. IACHR, Case of Yatama v. Nicaragua, Series C, no. 127, Judgment of 23 June 2005:225.

58. Hungarian

59. Roma

60. Maori

۶۱. زلاندنو اگرچه کشوری مهاجرپذیر و چند فرهنگی به شمار می‌رود، در میان گروه‌های مختلف ساکن در این کشور، گروه قومی مائوری تنها گروهی است که می‌توان آن را به دلیل خصوصیات فرهنگی ویژه و سابقه طولانی سکونت که به زمانی بسیار پیش از مهاجرت دیگر گروه‌ها می‌رسد، به عنوان ساکنان اصلی و اولیه این کشور محسوب نمود. این ویژگی در کنار قدمت نه‌چندان زیاد مهاجرت و سکونت دیگر گروه‌ها در زلاندنو، مائوری‌ها را در کنار ساکنان اولیه برخی جزائر تحت حاکمیت این دولت در اقیانوس آرام، تبدیل به تنها گروه‌های بومی ساکن در قلمرو دولت زلاندنو می‌کند.

62. Catherine J Iorns Magallanes, "Dedicated Parliamentary Seats for Indigenous Peoples: Political Representation as an Element of Indigenous Self-Determination," *Victoria University of Wellington Legal Research Papers* 7, Issue.5 (2017): 15.

حضور مؤثر مائوری‌ها در پارلمان^{۶۳} در جایگاه یک گروه خاص و بازتاب یافتن مطلوب‌تر دیدگاه‌ها و انتظارات ایشان در تدوین قوانین، تأثیر مهمی بر بهبود وضعیت حقوق گروه مزبور در چهارچوب اهداف توسعه هزاره و جانشین آن یعنی سند توسعه پایدار، به‌ویژه اهداف یکم از هر دو سند، یعنی ریشه‌کنی فقر و هدف دهم از اهداف سند توسعه پایدار یعنی رفع نابرابری در درون شهروندان دولت‌ها ایفاء نموده است. بر این مبنا، می‌توان به تصویب قوانین حامی حقوق گروه مائوری در پارلمان زلاندنو، از قبیل قانون مدیریت منابع سال ۱۹۹۱ و قانون سال ۱۹۹۳ در مورد تضمین حقوق مائوری‌ها نسبت به زمین‌های اجدادی خود^{۶۴} که هر دو از اسناد پایه در زمینه هدایت مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی گروه مذکور به شمار می‌آیند، اشاره کرد.

در بخش ششم از قانون مدیریت منابع که به منظور هدایت نحوه بهره‌برداری از منابع و ثروت‌های طبیعی در راستای تضمین سلامت همچنین رفاه و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم زلاندنو تصویب شده، بر لزوم رعایت ملاحظات مرتبط با حفاظت از فرهنگ و زمین‌های اجدادی بومیان مائوری نیز تأکید شده^{۶۵} و در قانون ۱۹۹۳ در مورد تضمین حقوق مائوری‌ها نسبت به زمین‌های اجدادی خود رابطه میان نگهداری زمین‌های اجدادی اعضای این گروه با حفاظت از هویت گروهی آنها مرکز توجه واقع شده و بر این مبنا مجوز تأسیس دادگاه زمین‌های مائوری با هدف ارائه مساعدت به گروه مزبور در توسعه، اداره و بهره‌برداری از زمین‌های اجدادی خویش صادر گردیده است.^{۶۶}

افزون بر آنکه وجود فضای مناسب برای طرح نیازها و خواسته‌های مائوری‌ها در مجلس زلاندنو سبب آن گردیده تا در حوزه برنامه‌های ملی مرتبط با توسعه جامعه نیز محورهای خاصی با هدف ارتقای وضعیت گروه ذکر شده در نظر گرفته شود. برای نمونه، باید به قانون عمومی سلامت و معلولیت مصوب سال ۲۰۰۰ اشاره کرد که در بخش سوم آن تأکید ویژه‌ای بر ضرورت در نظر گرفتن ملاحظات و نیازهای مائوری‌ها در حوزه سلامت از جانب دست‌اندرکاران نظام توسعه سلامت زلاندنو صورت پذیرفته است.^{۶۷}

۶۳. در حال حاضر گروه بومی مائوری ۲۹ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص داده است. رجوع شود به:

-Tepara Koti, "Who are our Māori Members of Parliament now?," Accessed: 2021/08/20

<https://www.teaomaori.news/who-are-our-maori-members-parliament-now>

64. Te Ture Whenua Māori Act

65. New Zealand Resource Management Act, 1991: Sec 6:e

66. Te Ture Whenua Maori Act, 1993: Part.1: Sec. 6.

67. New Zealand Public Health and Disability Act, 2000: Part.3: 23(d) and (e).

حضور پررنگ مائوری‌ها در پارلمان زلاندنو، به لطف کرسی‌های اختصاصی تخصیص داده شده برای ایشان، سبب شده تا در قیاس با بسیاری از دیگر گروه‌های بومی ساکن در دیگر نقاط جهان از وضعیت مطلوب‌تری در دسترسی به حقوق خود برخوردار شده باشند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد استفاده مناسب مائوری‌ها از سهم اختصاصی فراهم شده در چهارچوب فرایند مشارکت سیاسی در زلاندنو، به‌ویژه مکانیسم انتخابات آزاد که با راه‌یابی تعداد قابل‌توجهی از نمایندگان مردم مذکور به پارلمان بستر پیگیری مؤثر خواسته‌های گروه را فراهم نموده، تضمین حقوق بومیان مائوری را از بسیاری جهات در قیاس با همتایان بومی خویش در دیگر کشورهای جهان، در جایگاه مناسب‌تری قرار داده است. برای مثال، درحالی‌که فاصله اختلاف درآمد بین بومیان مائوری و اکثریت غیربومی زلاندنو در سالیان اخیر به شش هزار دلار کاهش یافته، میزان اختلاف درآمد بین بومیان استرالیا و کانادا با اکثریت مسلط و غیربومی این کشورها همچنان به میزان چشمگیری بالا بوده و در هر دو کشور بالغ بر ۹۰۰۰ دلار ارزیابی می‌شود؛ در سال ۲۰۰۰، درآمد گروه مائوری و اکثریت غیر مائوری زلاندنو به ترتیب ۲۳۰۰۰ و ۲۹۰۰۰ دلار، درآمد بومیان استرالیا و اکثریت غیربومی این کشور به ترتیب ۱۲۰۰۰ و ۲۱۰۰۰ و درآمد بومیان کانادا و اکثریت غیربومی آن به ترتیب ۱۸۰۰۰ و ۲۷۰۰۰ دلار بوده است؛^{۶۸} واقعیتی که نشان‌دهنده موفقیت بیشتر زلاندنو در تحقق افزایش درآمد بومیان همچنین کاهش تبعیض علیه ایشان، از طریق ایجاد امکان شنیده شدن صدای اعضای این گروه به وسیله مشارکت سیاسی مؤثرتر آن‌ها در تدوین و اجرای برنامه‌ها و قوانین مرتبط با توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی این کشور و در نتیجه ایجاد شدن بستری مساعدتر در زمینه دستیابی به حق بر توسعه برای مائوری‌ها است.

۲-۲ تخصیص سهم ویژه به گروه‌های اقلیت در رومانی

در رابطه با ارزیابی میزان تأثیرات مثبت مشارکت همگانی مؤثر اقلیت‌ها بر تسهیل دستیابی اعضای آن‌ها به حق بر توسعه خویش، کشور رومانی مثال شایسته‌ای به شمار می‌رود. کشور رومانی از جمله کشورهایی است که اقلیت‌های قومی و مذهبی در دو ده اخیر، از امکان مناسبی برای حضور در عرصه مشارکت در اخذ و اجرای تصمیمات عمومی برخوردار شده‌اند؛ حضوری که جلوه بارز آن را می‌توان در سهم مناسب اقلیت‌های این کشور در کرسی‌های پارلمان رومانی در دوران پس از فروپاشی کمونیسم مشاهده نمود.

68. Martin Cooke and Others, "Indigenous Well-being in Four Countries: an Application of the UNDP'S Human Development Index to Indigenous Peoples in Australia, Canada, New Zealand, and the United States," *BMC International Health and Human Rights* 7, no. 9 (2007): 100. <https://dx.doi.org/10.1186/1472-698X-7-9>.

به عبارت بهتر، فرصت فراهم شده در بستر نظام دموکراتیک استقرار یافته در رمانی در دوران پساکمونیسم، این امکان را برای گروه‌های اقلیت فراهم آورده تا هر یک بتوانند سهمی مناسب از کرسی‌های پارلمان این کشور را در تناسب با تعداد جمعیت گروه، به خود اختصاص دهند. برای نمونه و بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، در دو دهه نخست پس از فروپاشی کمونیسم (۱۹۹۰-۲۰۰۷)، در حالی که اقلیت‌های رومانی تشکیل دهنده ۱۰/۵ درصد از جمعیت کشور مزبور به شمار می‌رفته‌اند، از سهمی ۱۳/۵ درصدی از پارلمان رومانی برخوردار شده بوده‌اند.^{۶۹}

این سهم مناسب اقلیت‌ها در پارلمان رومانی، بدر جایگاه مهم‌ترین مرجع در اخذ تصمیمات عمومی جامعه، مرهون استفاده گروه‌های مزبور از مکانیسم‌های دموکراتیکی است که در دوران رشد و تثبیت دموکراسی در رمانی ایجاد شده‌اند. برای مثال، ایجاد بستر انتخابات آزاد و نظام نمایندگی همچنین تخصیص کرسی ویژه به گروه‌های اقلیت، این امکان را برای اقلیت بزرگی همچون اقلیت مجار فراهم کرده تا با تشکیل احزاب قومی همچون اتحادیه دموکراتیک مجارها در رمانی^{۷۰} و با اتکا به آراء اعضای خود، به تعداد متناسبی از کرسی‌های پارلمان دست یابند؛^{۷۱} امکانی که موجب شده تا اقلیت فوق‌الذکر با وجود برخورداری از ۶/۶ از جمعیت رومانی و با استفاده از ترکیب جلب آراء عمومی مجارها برای کرسی‌های آزاد همچنین در اختیار گرفتن کرسی اختصاصی در نظر گرفته شده برای اقلیت مذکور به موجب قانون انتخاباتی مصوب ۱۹۹۰، از سهم معادل ۷/۲۳ کرسی‌های پارلمان در دوره موضوع بررسی (۱۹۹۰-۲۰۰۷) برخوردار شده باشد.^{۷۲} در همین راستا، بستر دموکراتیک به وجود آمده رومانی، امکان مناسبی برای رشد و فعالیت جامعه مدنی پویا نیز ایجاد کرده که در جای خود ابزار مناسب دیگری به منظور حضور پررنگ‌تر در عرصه عمومی جامعه برای اقلیت‌های این کشور، به ویژه اقلیت‌های کوچک‌تر را فراهم کرده است.

بر اساس قوانین انتخاباتی جدیدی که در سال ۱۹۹۰ در کشور رومانی به تصویب رسید، برای اعضای هر یک از ۱۸ اقلیت شناخته شده رومانی این امکان فراهم شده تا با تشکیل سازمان‌های

69. Oleh Protsyk, *Representation of minorities in the Romanian parliament, promoting inclusive parliaments: The representation of minorities and indigenous peoples in parliament*, (New York: United Nations Development Programme, 2010), 6.

70. Democratic Union of Hungarians in Romania

71. Protsyk, *Representation of minorities in the Romanian parliament, promoting inclusive parliaments: The representation of minorities and indigenous peoples in parliament*, 6.

72. Protsyk, *Representation of minorities in the Romanian parliament, promoting inclusive parliaments: The representation of minorities and indigenous peoples in parliament*, 9.

مردم‌نهاد مرتبط با اقلیت خود و به شرط ارائه مدارکی به کمیسیون مرکزی انتخابات رومانی، دال بر عضویت دستکم ۱۵ درصد از اعضای گروه اقلیت مزبور در سازمان درخواست‌کننده، به یک رقابت انحصاری درون‌گروهی برای کسب یک کرسی اختصاص‌یافته برای گروه خود مبادرت کنند.^{۷۳} مکانیسم یادشده این امکان را به‌ویژه برای اقلیت‌های کوچک‌تر ایجاد نموده تا بدون نگرانی از آرای اندک اعضای خویش در قیاس با باقی جمعیت رومانی، موفق به ارسال نماینده به پارلمان شوند. برای نمونه، می‌توان به گروه‌های اقلیت اوکراینی (۲۸٪ درصد از کل جمعیت)، آلمانی (۲۷٪ درصد از کل جمعیت)، روس (۱۶٪ درصد از کل جمعیت)، ترک (۱۴٪ درصد از کل جمعیت)، تاتار (۱۱٪ درصد از کل جمعیت) و صرب (۸٪ درصد از کل جمعیت)، چک و اسلواک (۹٪ درصد از کل جمعیت) و بلغار (۳٪ درصد از کل جمعیت) اشاره کرد که هر یک سهمی حتی بیشتر از جمعیت خود در پارلمان دریافت نموده‌اند. در این چهارچوب و در خلال سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۰، اوکراینی‌ها ۳۶٪، آلمانی‌ها ۷۲٪، روس‌ها ۲۶٪، ترک‌ها ۳۶٪، تاتارها ۲۶٪، صرب ۲۶٪، چک و اسلواک ۲۶٪ و بلغار ۳۶٪ درصد از مجموع کرسی‌های مجلس نمایندگان رومانی را به خود اختصاص داده‌اند.^{۷۴}

این حضور متناسب نمایندگان اقلیت‌ها در مجلس نمایندگان رومانی، بستر مناسبی برای پیگیری خواسته‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گروه‌های ذکرشده در عرصه قانون‌گذاری رومانی ایجاد کرده است.

درباره نقش حضور نمایندگان وابسته به اقلیت قومی مجار در پارلمان در پیگیری حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اقلیت مزبور، می‌بایست به تضمین حقوق فرهنگی قومیت مزبور با استفاده از این ابزار، به‌ویژه ارتقای آموزش زبان مجاری اشاره کرد. در این چهارچوب، می‌توان به تصویب قانون آموزش ۸۴/۹۵ مصوب ۱۹۹۹ اشاره کرد که با تلاش نمایندگان وابسته به حزب اتحادیه دموکراتیک مجارها در رمانی به تصویب رسیده و در آن دسترسی به آموزش به زبان مجاری در تمامی مقاطع آموزشی، برای اقلیت مجار تضمین شده است.^{۷۵} البته پیگیری

73. Protsyk, *Representation of minorities in the Romanian parliament, promoting inclusive parliaments: The representation of minorities and indigenous peoples in parliament* also Romania's Constitution of 1991 with Amendments, 2003:Art.62, para.2.

74. Protsyk, *Representation of minorities in the Romanian parliament, promoting inclusive parliaments: The representation of minorities and indigenous peoples in parliament*, 6.

75. Adrian Liviu Ivana and Claudia Anamaria Iov, "Minority Issues at the End of the 20th Century and the Beginning of the 21th Century. Case Study: The Hungarian Minority from Romania," *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, no. 92 (2013):429.

دسترسی شایسته اقلیت‌ها به آموزش توسط نمایندگان آن‌ها در پارلمان، به منحصر به حقوق اقلیت مجاری نبوده و تلاش نمایندگان مجار همراه با نمایندگان دیگر اقلیت‌ها، منجر به تصویب قانون آموزش ملی مصوب سال ۲۰۱۱ نیز شده که در بند الف از ماده ۴۵ آن بر ضرورت فراهم شدن دسترسی اعضای تمامی اقلیت‌ها به آموزش به زبان مادری در کلیه سطوح آموزشی ابتدایی و متوسطه تأکید شده است.^{۷۶}

پیگیری تضمین حقوق بشر اقلیت‌ها توسط نمایندگان پارلمان و یا جامعه مدنی در فرایند توسعه کشور رومانی، منحصر به بحث آموزش نمانده و در حوزه بهبود رفاه و معیشت دست‌آورد‌های قابل‌ملاحظه‌ای به دنبال داشته است، دست‌آورد‌هایی که خاصه در مورد اقلیت‌های کمتر برخوردارتری همچون اقلیت کولی آشکارتر است. در حقیقت، اگرچه حضور نمایندگان مرتبط با اقلیت کولی در مجلس معمولاً به همان یک کرسی رزرو شده برای این اقلیت محدود مانده،^{۷۷} به لطف تلاش‌های صورت گرفته توسط نمایندگان وابسته به اقلیت‌های دارای کرسی انحصاری در پارلمان همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد حامی حقوق مردم کولی، اقدامات مثبتی در ارتباط با بهبود دادن وضع اقتصادی و رفاهی این مردم از طریق نهاد پارلمان انجام شده است؛ مثلاً در زمینه تضمین حق بر اشتغال هم اتخاذ سیاست‌های مرتبط با استراتژی ادغام مردم کولی در برنامه‌های ملی توسعه اشتغال، سطح اشتغال ثابت مردم کولی از ۲۷/۵ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۳۶ درصد در سال ۲۰۰۸ افزایش یافته است.^{۷۸} همچنین متعاقب تصویب برنامه (۲۰۲۰-۲۰۱۲) میزان فقر در میان جامعه کولی که در سال ۲۰۱۱ به ۸۶ درصد رسیده بود با کاهشی ۱۶ درصدی در سال ۲۰۱۶ به ۷۰ درصد کاهش یافت و این روند کاهشی، کماکان مشاهده می‌شود.^{۷۹}

76. Liviu Ivana and Iov, "Minority Issues at the End of the 20th Century and the Beginning of the 21st Century. Case Study: The Hungarian Minority from Romania," 430.

77. Nandor Magyari, Leti Tia Mark, Hajnalka Harbula and Eniko Magyari-Vincze, *Country Report on Ethnic Relations: Romania*, the Center for Policy Studies, (Budapest: the Central European University, 2008), 22-23.

78. Marieta Radu, *Romania: the Promoting the Social Inclusion of Roma* (Brussels: European Commission, 2011), 11.

79. Valerie Morrica, Malte Johann, Sabina Anne Espinoza, Sandor I. Karacsony, *Romania Systematic Country Diagnostic, Background Note: Roma Inclusion* (Washington D.C: The World Bank Group, 2018), 3.

نتیجه‌گیری

محقق شدن حق بر توسعه به معنای فرایندی از توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع انسانی به شمار رفته که در آن تمامی استانداردهای حقوق بشری در نظر گرفته شده و به صورتی اساسی رهیافت توسعه اقتصادی در درون رهیافت حقوق بشری توسعه ادغام می‌شود. توسعه معلول اراده نیرومند انسان معاصر برای کشف‌های جدید در زندگی انسان است در این روند ممکن است اکثریت جامعه دست به تغییراتی در عرصه اقتصادی فرهنگی و سیاسی بزند که بر شیوه زندگی گروه‌های اقلیت و بومی نیز اثرگذار باشد. بنابراین توجه به وضعیت گروه‌های در معرض تبعیض، از اهمیت اساسی در ترسیم هرگونه برنامه توسعه حقوق بشر محور برخوردار است. در این راستا، به نظر می‌رسد که از یکی کارآمدترین راهکارها در مسیر تسهیل دستیابی گروه‌های ذکر شده به حق بر توسعه خویش، مشارکت دادن نمایندگان آن‌ها در تدوین و اجرای هرگونه برنامه توسعه حقوق بشر محور به صورت ویژه، آن‌هم با هدف مهیا نمودن فرصت گنجاندن نیازهای گروه فوق در برنامه‌های توسعه همچنین امکان پیگیری بعدی میزان توجه عملی به تأمین چنین نیازهایی خواهد بود.

به نظر می‌رسد که تنها در صورتی می‌توان به مشارکت واقعی اقلیت‌ها و بومیان در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه امیدوار بود که بستر مناسب مشارکت ایشان در تصمیم‌گیری‌های عمومی جامعه متبوع در رابطه با جوانب مختلف توسعه فراهم شده باشد. چنین بستری تنها با برخورداری جامعه از نوعی ساختار حکومتی دموکراتیک مبتنی بر عناصر حیاتی برای تداوم ساختار مزبور یعنی انتخابات آزاد، جامعه مدنی پویا و آزادی رسانه که امکان مشارکت گسترده اعضای آن را در اخذ تصمیمات عمومی مرتبط با شئون مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه فراهم نموده باشد، ایجاد خواهد شد. در این راستا، اختصاص سهم ویژه در فرایند مشارکت سیاسی به گروه‌های نیازمند حمایتی همچون اقلیت‌ها و بومیان، نه تنها با ایجاد امکان مشارکت نمایندگان این گروه‌ها در فرایند اخذ تصمیمات عمومی جامعه، زمینه‌ساز دسترسی عملی اقلیت‌ها و بومیان را به حقوقی همچون حق بر انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق اجتماع آزادانه و تشکیل اتحادیه‌ها، حق بر دسترسی به اطلاعات و ... به عنوان برخی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق سیاسی و مدنی مرکز توجه در توسعه سیاسی مدنظر در چهارچوب حق بر توسعه را فراهم خواهد نمود، بلکه با ایجاد بستر لازم برای توجه به نیازها و نظرات آنها در فرایند اتخاذ تصمیم‌های عمومی مرتبط با توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، راه را برای برخورداری اقلیت‌ها و بومیان از بسیاری از دیگر مصادیق حقوق بشر مورد نظر در توسعه حقوق بشر محور به صورت اعم و حق بر توسعه به صورت اخص، همچون حق بر سلامت، حق بر غذا، حق بر اشتغال، کاهش سطح فقر و ... هموار می‌کند.

کتاب‌نامه

الف) کتب و مقالات

الف-۱: منابع فارسی

اقبالی، کیوان. نسبت میان توسعه و حق بر تعیین سرنوشت در هزاره سوم. چاپ اول. تهران: خرسندی، ۱۳۹۹.

تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی. جلد ۱. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹.

سن، آمارتیا. توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

شایگان، فریده. حق توسعه. تهران: نشر گرایش، ۱۳۸۸.

عسکری، پوریا، و امیرساعده وکیل. نسل سوم حقوق بشر: حقوق همبستگی. تهران: انتشارات دانشگاهی، ۱۳۸۳.

عزیزی، ستار. حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴.

حبیب‌زاده، توکل، و حافظه سیفی. «تأثیر حکمرانی مطلوب بر اجرایی شدن حق بر توسعه با تأکید بر بعد ملی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۱۸، شماره ۶۲ (تابستان ۱۳۹۲): ۱۱-۳۸.
سلیمی ترکمانی، حجت. «حق بر توسعه به مثابه حقی بشری در گستره حقوق بین‌الملل انرژی»، مطالعات حقوق انرژی ۴، شماره ۲ (پاییز ۱۳۹۷): ۴۰۵-۴۲۶.

<https://dx.doi.org/10.22059/JRELS.2019.259813.210/>

سلیمی ترکمانی، حجت. «حقوق بین‌الملل توسعه پایدار: از آرمان تا واقعیت»، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق) دوره جدید، شماره ۲ (بهار ۱۳۹۱): ۴۵-۷۳.

<https://dx.doi.org/10.22066/CILAMAG.2004.18026>

سنگوپتا، آرجون. «حق توسعه در نظریه و عمل»، ترجمه منوچهر توسلی جهرمی. مجله حقوقی بین‌المللی ۲۱، شماره ۳۰، (خرداد ۱۳۸۳): ۱۷۹-۲۵۰.

<https://dx.doi.org/10.22066/CILAMAG.2004.18026>

فراهانی‌فرد، سعید. «توسعه پایدار بر محور عدالت»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی ۵، شماره ۱۹، (دی ۱۳۸۴): ۹۱-۱۲۲.

صلح‌چی، محمدعلی، و رامین درگاهی. «بررسی ماهیت حقوق همبستگی: حقوق جمعی یا مردمی»، پژوهش حقوق عمومی ۱۵، شماره ۴۱ (زمستان ۱۳۹۲): ۱۴۳-۱۶۸.

الف-٢: منابع لاتین

- Bunbongkarn, Suchit. "The Role of Civil Society in Democratic Consolidation in Asia", in *Growth & Governance in Asia*, edited by Yoichiro Sato, 137-144. Honolulu: Asia-Pacific Center for Security Studies, 2004.
- De Feyter, Koen. "Indigenous Peoples." in *Realizing the Right to Development, Essays in Commemoration of 25 Years of the United Nations Declaration on the Right to Development*, edited by OHCHR, 159-169. New York and Geneva: OHCHR, 2013.
- Sengupta, Arjun. "Conceptualizing the Right to Development for the Twenty-first Century", in *Realizing the Right to Development: Essays in Commemoration of 25 Years of the United Nations Declaration on the Right to Development*, edited by OHCHR, pp.67-87. New York and Geneva: OHCHR, 2013
- Steiner, Henry J and Alston, Philip. *International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals*. Third Edition. Oxford: Oxford University Press, 2008.
- Cooke, Martin; Francis Mitrou; David Lawrence; Eric Guimond & Beavon, Dan. "Indigenous Well-being in Four Countries: an Application of the UNDP'S Human Development Index to Indigenous Peoples in Australia, Canada, New Zealand, and the United States", *BMC International Health and Human Rights* 7, no. 9 (2007): 1-11. [https:// doi: 10.1186/1472-698X-7-9](https://doi.org/10.1186/1472-698X-7-9)
- Liviu Ivana, Adrian and Claudia Anamaria Iov. "Minority Issues at the End of the 20th Century and the Beginning of the 21th Century. Case Study: The Hungarian Minority from Romania", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, no. 92 (2013): 426-431.
- Magallanes, Catherine J Iorns. "Dedicated Parliamentary Seats for Indigenous Peoples: Political Representation as an Element of Indigenous Self-Determination", *Victoria University of Wellington Legal Research Papers* 7, Issue. 5 (2017): 1-36.
- Nanda, Ved P. "Self Determination and Secession under International Law." *Denver Journal of International Law & Politics* 29, no. 4 (2001): 305-326.

ب) اسناد

- A/HRC/30/26, *Promotion, Protection and Implementation of the Right to Participate in Public Affairs in the Context of the Existing Human Rights Law: Best Practices, Experiences, Challenges and Ways to Overcome Them*, Geneva: OHCHR, 2015.
- Alfararghi, Saad, A/HRC/39/51, *Second Report of the Special Rapporteur on the Right to Development*, New York and Geneva: Human Rights Council, 2018.

- Akram, Zamir, A/HRC/36/35, *Report of the Working Group on the Right to Development on its Eighteenth Session*, Geneva, Human Rights Council, 2017.
- Capotorti, Francesco, E/CN.4/Sub.2/384/Rev.1, *Study on the Rights of Persons Belonging to Ethnic, Religious and Linguistic Minorities*, Special Rapporteur to Carry out a Study on the Rights of Persons belonging to Ethnic, Religious and Linguistic Minorities, Geneva: UN. Subcommission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 1977.
- CHR, E/2573, *Report of the Tenth Session*, Supplement No.7, New York: Commission on Human Rights, 1954
- Dandan, Virginia, A/69/366, *Second Report of the Independent Expert on Human Rights and International Solidarity*, New York: General Assembly, 2014.
- Dembri, Mohammad-Salah, E/CN.4/2001/26, *the Right to Development*, Report of the Open-Ended Working Group on the Right to Development, Geneva: Commission on Human Rights Fifty-Seventh Session, 2001.
- Martinez-Cobo, José, E/CN.4/Sub.2/1983/21/Add.8, *Study of the Problem of Discrimination against Indigenous Populations: Final Report*, submitted by the Special Rapporteur José Martinez-Cobo, Commission on Human Rights, New York: UN Sub Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 1983.
- Magyari, Nandor, Leti Tia Mark, Hajnalka Harbula and Eniko Magyari-Vincze, *Country Report on Ethnic Relations: Romania*, Budapest: the Central European University, 2008.
- Protsyk, Oleh, *Representation of minorities in the Romanian parliament, promoting inclusive parliaments: The representation of minorities and indigenous peoples in parliament*, New York: United Nations Development Programme, 2010.
- Radu, Marieta, *Romania: the Promoting the Social Inclusion of Roma*, Brussels: European Commission, 2011.
- Morrice, Valerie, Malte Johann, Sabina Anne Espinoza, Sandor I. Karacsony, *Romania Systematic Country Diagnostic, Background Note: Roma Inclusion*, Washington D.C: The World Bank Group, 2018.
- Salomon, Margot E and Arjun Sengupta, *the Right to Development: Obligations of States and the Rights of Minorities and Indigenous Peoples*, Issues Papers, London: Minority Rights Group International, 2003.
- Sengupta, Arjun, E/CN.4/2001/WG.18/2, *Third Report of the Independent Expert on the Right to Development*, Mr. Arjun Sengupta, Submitted in Accordance with Commission Resolution 2000/5, New York: Commission on Human Rights, 2001.

- ACHPR, Case of Centre for Minority Rights Development (Kenya) and Minority Rights Group International on behalf of the Endorois Welfare Council v. The Republic of Kenya, Communication No. 276/2003, 25 November 2009.
- ACHPR, African Commission on Human and Peoples' Rights v Republic of Kenya, Application No. 006/2012, 26 May 2017.
- IACHR, Case of Yatama v. Nicaragua ,Series C, No. 127, Judgment of 23 June 2005
- IACHR, Case of Saramaka People v. Suriname, Series C, No. 172, Judgment of 28 November 2007.
- PCIJ, The Greco-Bulgarian Communities, Advisory Opinion of 31 July 1930.
- Declaration on the Right to Development, A/RES/41/128, 4 December 1986.
- New Zealand Resource Management Act 1991.
- New Zealand Te Ture Whenua Maori Act 1993.
- Romania's Constitution of 1991 with Amendments through 2003.
- New Zealand Public Health and Disability Act 2000
- The Indigenous and Tribal Peoples Convention (No. 169), 76th ILC session, 27 June 1989.
- Koti, Teparu. "Who are our Māori Members of Parliament now?" Accessed: 2021/08/20 <https://www.teaomaori.news/who-are-our-maori-members-parliament-now>